

مقاله پژوهشی: رانت نفت؛ صلح آور یا خشونت‌زا؟

صاحبه محمدیان منصور^۱، ابوالقاسم گل‌خندان^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۲

چکیده

رانت حاصل از فروش نفت و تخصیص آن به امور رفاه اجتماعی، امنیت و تقویت ظرفیت دولت، می‌تواند به ارتقا سطح صلح در یک کشور کمک کند (خرید صلح از طریق رانت ناشی از فروش نفت). در مقابل، رانت نفت ممکن است از کانال‌های مختلفی به تضعیف امنیت اجتماعی، ایجاد درگیری‌ها و درجه بالای نظامی‌سازی منجر شود که نتیجه آن افزایش خشونت در جوامع است. بر این اساس، هدف اصلی مقاله حاضر، بررسی نحوه اثرگذاری رانت نفت بر سطح صلح در کشورهای صادرکننده نفت طی دوره زمانی ۲۰۱۰-۲۰۲۰م است. به این منظور با استفاده از ادبیات نظری و به‌کارگیری روش پانل آستانه‌ای، عوامل مؤثر بر شاخص جهانی صلح (GPI) در کنار رانت نفت، مدل‌سازی شده است. نتایج نشان می‌دهد؛ تأثیر رانت نفت بر شاخص صلح، غیرخطی و به‌صورت رابطه U معکوس است. مقدار حد آستانه رانت نفت نیز حدود ۳۶ درصد از GDP برآورد شده است. به‌عبارتی، تا قبل از حد آستانه، سهم رانت نفت از GDP تأثیری مثبت و معنی‌دار بر شاخص صلح داشته است؛ اما پس از عبور از این حد آستانه، سهم رانت نفت از GDP تأثیری منفی و معنی‌دار بر شاخص صلح در کشورهای مورد مطالعه دارد. درآمد سرانه، درجه باز بودن اقتصادی، امید به زندگی (شاخص سرمایه انسانی) و دموکراسی، اثر مثبت و معنادار و نایبرابری درآمد، اثر منفی و معناداری بر سطح صلح در کشورهای صادرکننده نفت داشته است.

کلیدواژه‌ها: شاخص جهانی صلح، رانت نفت، صلح منفی، کشورهای صادرکننده نفت، رویکرد حد آستانه.

۱. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور تهران (نویسنده مسئول) Sahebemansour@pnu.ac.ir

۲. دانش‌آموخته دکتری اقتصاد بخش عمومی.

۱. مقدمه

صلح را می‌توان به معنای نبود جنگ، جرم، قتل، تجاوز، شورش، کودتا و سایر اشکال خشونت و فعالیت‌های مخاطره‌آمیز در جامعه در نظر گرفت. از طرف دیگر، صلح را می‌توان مجموعه اقدامات مؤثر برای ایجاد گسترش امنیت و آرامش در جامعه دانست. در مفهوم نخست، رویکرد سلبی یا همان نفی جنگ که به آن «صلح منفی» نیز می‌گویند، مدنظر است. اما در مفهوم دوم، رویکرد ایجاد‌ی یا «صلح مثبت» که به معنای نهادها و ساختارهایی است که به ساخت یک جامعه صلح‌آمیز می‌انجامد، مورد تأکید است (کیلی،^۱ ۲۰۲۰). در پژوهش حاضر، مفهوم نخست صلح مدنظر است. بسیاری از بخش‌های جهان در حال توسعه به‌طور فزاینده‌ای دچار تشدید اقدامات خشونت‌آمیز هستند. این اقدامات نیز تبعات منفی فراوانی دارند مانند:

❖ آسیب به زیرساخت‌های عمومی و دارائی‌های خصوصی،

❖ آسیب‌های جسمی و روحی،

❖ هزینه‌های غیرمستقیم مانند جابجایی جمعیت و کاهش سرمایه انسانی.

علاوه بر این، بی‌ثباتی سیاسی و ناامنی ناشی از این اقدامات، ریسک را برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی افزایش می‌دهد؛ در نتیجه منجر به فرار سرمایه و کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و در نهایت کاهش رشد اقتصادی کشورهای درگیر مسئله خشونت می‌شود (فرزانگان و همکاران^۲، ۲۰۱۸). این حوادث زیان‌بار بر لزوم شناسایی عوامل و راهبردهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که به کاهش درگیری و خشونت می‌انجامد و درجات معقولی از صلح ملی را به ارمغان می‌آورد، تأکید می‌کند.

«رانت منابع طبیعی»، یکی از عوامل مهم مؤثر بر صلح و زیرشاخص‌های مرتبط با آن است. قسمت عمده‌ای از ادبیات تجربی در زمینه تأثیر رانت منابع طبیعی بر متغیرهای اقتصادی و سیاسی، بر اصطلاح «نفرین منابع طبیعی»^۳ متمرکز است. بر اساس این اصطلاح، فراوانی منابع طبیعی مانند نفت خام، گاز طبیعی، زغال‌سنگ و مواد معدنی به پیامدهای سیاسی و اقتصادی منفی (بالاًخص در کشورهای در حال توسعه) مانند اشکال مختلف درگیری‌ها، رشد اقتصادی ضعیف، فساد، نابرابری و

1. Killelea
2. Farzanegan & et.al.
3. Political Curse of Natural Resources

حکمرانی ناکارآمد منجر می‌شود. به عبارت دیگر، وفور منابع طبیعی به خشونت و توسعه نیافتگی در کشورهای دارای این منابع دامن زده است (سینی و همکاران^۱، ۲۰۲۱: ۲).

در مقابل طرفداران نظریه «دولت رانتیر»^۲ معتقدند که دولت‌ها از رانت حاصل از منابع فراوان برای آرام کردن گروه‌های مخالف و خرید صلح استفاده می‌کنند و در نتیجه به ثبات سیاسی کمک می‌کنند (تیرانگ^۳، ۲۰۲۱: ۲).

با توجه به توضیحات فوق، هدف اصلی مقاله حاضر، آزمون تأثیر آستانه‌ای رانت نفت بر شاخص جهانی صلح در کشورهای صادرکننده نفت در دوره‌ی زمانی ۲۰۲۰-۲۰۱۰ است. به عبارتی دیگر، هدف این پژوهش پاسخگویی به این سؤال است که: «آیا بین رانت نفت و شاخص جهانی صلح یک رابطه غیرخطی در کشورهای صادرکننده نفت وجود دارد؟»

بر این اساس، فرضیه اصلی تحقیق به صورت زیر تدوین شده است: «تأثیر رانت نفت بر شاخص جهانی صلح در کشورهای صادرکننده نفت طی دوره‌ی زمانی ۲۰۲۰-۲۰۱۰، غیرخطی و به شکل U معکوس است.»

۲. مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

۲-۱. پیشینه‌شناسی تحقیق

طبق بررسی نویسنده‌گان، تنها مطالعه تجربی که به بررسی عوامل مؤثر بر شاخص جامع صلح پرداخته است، مطالعه غزالیان و حمود^۴ (۲۰۲۰) است. در این مطالعه به بررسی اثر متخبی از عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر سطح صلح ملی و شاخص‌های ابتدایی مربوطه در این زمینه در ۱۶۲ کشور در حال توسعه و توسعه یافته طی دوره زمانی ۲۰۱۶-۲۰۰۷ پرداخته شده است. به منظور تجزیه و تحلیل‌ها در این مطالعه از داده‌های پانل و روش‌های مختلف اقتصادسنجی نظیر: حداقل مربعات معمولی تلفیقی (POLS)^۵ و مدل خطی تعمیم یافته (GLM)^۶ استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که کشورهای برخوردار از سطوح توسعه اقتصادی بالاتر، سیستم‌های تجارت

1. Sini et al.
2. Rentier State
3. Trung
4. Ghazalian & Hammoud
5. Pooled Ordinary least squares
6. Generalized Linear Model

باز، جمعیت تحصیل کرده‌تر و نظام‌های دموکراتیک، در سطوح بالاتری از صلح ملی قرار دارند. در مقابل، کشورهایی که سطوح بالاتری از نابرابری درآمدی را تجربه می‌کنند و از منابع طبیعی برخوردارند، کمتر صلح‌آمیز هستند.

اما شمار مطالعاتی که تأثیر عوامل مختلف بالأخص رانت طبیعی را بر زیرشاخص‌های صلح در سه حوزه الف. سطح ایمنی و امنیت اجتماعی ب. وسعت درگیری داخلی و بین‌المللی در جریان؛ پ. درجه نظامی شدن، مورد بررسی تجربی قرار داده‌اند، گسترده است. در ادامه منتخبی از این مطالعات خارجی و داخلی ارائه می‌شود.

«ازکورا»^۱ در پژوهشی تحت عنوان «نابرابری بین منطقه‌ای و درگیری‌های مدنی: آیا نابرابری‌های فضایی تهدیدی برای ثبات و صلح هستند؟» (۲۰۱۸) انجام داده است. در این مطالعه ارتباط بین نابرابری منطقه‌ای و درگیری داخلی در ۱۲۵ کشور جهان طی سال‌های ۲۰۱۳-۱۹۹۳ با استفاده از یک مدل پانل پروبیت مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج با استفاده از برآوردگر حداکثر درست‌نمایی (MLE)^۲ نشان می‌دهد که؛ نابرابری بین منطقه‌ای تأثیر مثبت و معنادار آماری بر بروز درگیری داخلی دارد؛ این امر حاکی از آن است که کشورها با نابرابری درآمدی منطقه‌ای بالاتر، احتمال بیشتری برای تجربه خشونت داخلی دارند.

«آجیده» و همکاران^۳ مقاله‌ای مشترک تحت عنوان «رانت منابع طبیعی، رژیم‌های سیاسی و تروریسم در آفریقا» (۲۰۲۰) چاپ کرده‌اند. آن‌ها در این پژوهش رابطه رانت منابع طبیعی، انواع رژیم‌های سیاسی و اشکال مختلف تروریسم را در ۴۹ کشور آفریقایی طی دوره زمانی ۲۰۱۲-۱۹۸۰ مورد بررسی تجربی قرار داده‌اند. به این منظور از چهار شاخص تروریسم: داخلی، بین‌المللی، نامشخص و کل و برآوردگر رگرسیون دوجمله‌ای منفی^۴ استفاده شده است. یافته‌های این مطالعه موارد زیر را نشان می‌دهد:

اول، رانت منابع طبیعی اثرات مثبت و معناداری بر تروریسم فراملی و کل دارد.

دوم، رژیم‌های سیاسی تأثیرات معناداری بر تروریسم داخلی و کلی می‌گذارند؛ دموکراسی و اتوکراسی از یک‌سو اثرات ترورزا را کاهش می‌دهند و از سوی دیگر آنوکراسی به‌عنوان یک فزاینده ترور عمل می‌کند.

1. Ezcurra
2. Maximum Likelihood Estimation
3. Ajide *et al.*
4. Negative Binomial Regression

سوم، تعامل بین رانت منابع طبیعی و آنوکراسی، اثرات منفی بر اقدامات تروریسم داخلی و کلی دارد. با این حال، اثرات خالص تعامل، هم برای تروریسم داخلی و هم برای تروریسم کلی مثبت است.

«آجیده» و «علیمی»^۱ در پژوهشی با عنوان «رانت منابع طبیعی، نابرابری و تروریسم در آفریقا» (۲۰۲۱) تأثیر رانت منابع طبیعی را بر تروریسم از طریق کانال نابرابری درآمد در ۳۴ کشور آفریقایی منتخب طی دوره زمانی ۲۰۱۲-۱۹۸۰ بررسی کرده‌اند. یافته‌های تجربی این مطالعه با استفاده از برآوردگر رگرسیون دوجمله‌ای منفی، نتایج زیر را نشان می‌دهد:

اول) تأثیر رانت منابع طبیعی بر تروریسم در تمامی مدل‌ها مثبت است؛ به‌ویژه زمانی که شاخص‌های جینی و تیل به‌عنوان شاخص‌های نابرابری وارد مدل می‌شوند.

دوم) نابرابری هیچ تأثیر معناداری بر تروریسم در سراسر جهان ندارد.

سوم) تأثیرات تعاملی بین شاخص‌های نابرابری، به‌ویژه ضرایب جینی و تیل و مجموع رانت ناشی از منابع طبیعی بر تروریسم به‌طور قابل توجهی منفی است.

چهارم) اثرات نهایی تعامل بین رانت منابع طبیعی و نابرابری (ضرایب جینی و تیل) بر تروریسم مثبت است.

«نوحی‌فاها»^۲ در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی مجدد منابع طبیعی بر درگیری داخلی» (۲۰۲۱) با استفاده از دو رویکرد اقتصادسنجی گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM)^۳ تفاضلی و رگرسیون انتقال ملایم پانلی (PSTR)^۴، تأثیر آستانه‌ای منابع طبیعی (شامل رانت‌های حاصل از کل منابع طبیعی، نفت، مواد معدنی، گاز طبیعی، جنگل، صادرات سنگ معدن و فلزات، سوخت و رشد بهره‌وری کشاورزی) را بر درگیری داخلی در ۱۲۴ کشور جهان طی دوره زمانی ۲۰۱۷-۱۹۸۴ مورد بررسی تجربی قرار داده است.

نتایج این مطالعه حاکی از آن است که؛ تأثیر منابع طبیعی بر درگیری داخلی، غیرخطی و در غالب موارد به شکل U معکوس است. ارزیابی اثر نهایی برای رانت کل منابع طبیعی نشان می‌دهد مقدار آن از ۰/۱۷۲- تا ۰/۳۸۳+ متغیر است. از ۱۲۴ کشور نمونه در این تحقیق، ۳۵ کشور اثرات

1. Ajide & Alimi
2. Nochi Faha
3. Generalized Method of Moments
4. Panel Smooth Transition Regression

نهایی منفی را نشان می‌دهند؛ به این معنا که برای این کشورها، افزایش یک درصدی رانت کل منابع طبیعی، خطر درگیری داخلی را کاهش می‌دهد.

«تیرانگ» در مطالعه‌ای با عنوان «نفرین منابع یا صلح رانتی؟» (۲۰۲۱) تأثیر رانت منابع طبیعی را بر هزینه‌های نظامی در یک نمونه جهانی از ۱۶۳ کشور جهان طی دوره ۱۹۹۶-۲۰۱۷ بررسی کرده است. نتایج این مطالعه با کنترل سایر عوامل تعیین‌کننده مخارج نظامی، شوک‌های متداول متغیر زمان و اثرات ثابت کشورها، نشان می‌دهد که رابطه بین هزینه‌های نظامی و رانت منابع طبیعی به شکل U معکوس است. این رابطه به‌ویژه در خاورمیانه و شمال آفریقا و مناطق جنوب صحرای آفریقا مشهود است. همچنین مشاهده شده است که رابطه U شکل معکوس، با سطح اثربخشی دولت کشورها متفاوت است. به‌طور کلی، یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که کشورهای وابسته به منابع از درآمد حاصل از فراوانی منابع برای خرید صلح استفاده و در نتیجه به ثبات سیاسی کمک می‌کنند.

«آرمن» و همکاران مقاله‌ای تحت عنوان «عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم در ایران؛ کاربرد انتقال ملایم پانلی» (۱۳۹۶) در پژوهشنامه اقتصادی چاپ کرده‌اند. این نویسندگان تأثیر عوامل اقتصادی بر جرم را در استان‌های ایران طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۷۹ مورد بررسی قرار داده‌اند. به این منظور از روش رگرسیون انتقال ملایم پانلی استفاده شده است. نتایج به‌دست‌آمده با متغیر انتقال تورم، دو رژیم و یک حد آستانه‌ای نشان می‌دهد که در رژیم اول (سطوح پایین تورم)، درآمد سرانه واقعی تأثیر معنی‌داری بر جرم ندارد؛ اما در سطوح بالای تورم (رژیم دوم)، تأثیر درآمد سرانه واقعی بر جرم، منفی و معنی‌دار است. در سطوح پایین تورم، تأثیر نابرابری درآمدی بر جرم، مثبت و معنی‌دار؛ اما در سطوح بالا، نابرابری تأثیری بر جرم ندارد.

«گل‌خندان» در مقاله «تحلیل پویای رابطه منابع طبیعی و نظامی‌گری در کشورهای خاورمیانه» (۱۳۹۷) که در فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی چاپ شده است، به بررسی تعیین‌کنندگان قوی هزینه‌های نظامی در کشورهای منطقه MENA (شامل ایران) با تأکید بر منابع طبیعی طی سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۹۵ پرداخته است. به این منظور از رویکرد میانگین‌گیری «مدل بیزی» (BMA) به دلیل ویژگی‌های مناسب برای در نظر گرفتن فرض عدم اطمینان مدل، استفاده شده است. با برآورد ۱۰۰ هزار رگرسیون و میانگین‌گیری بیزی از ضرایب نشان داده شده است که سهم درآمدهای منابع طبیعی از GDP و سهم صادرات سوخت از صادرات کالایی با علائم مثبت،

دارای اثر بااهمیت بر هزینه‌های نظامی هستند. در بین منابع طبیعی، سهم درآمدهای نفتی از GDP با احتمالی حدود ۰/۹۹، تأثیری مثبت و حتمی بر هزینه‌های نظامی داشته است.

«گل‌خندان» و «محمدیان منصور» مقاله‌ای مشترک تحت عنوان «عوامل مؤثر بر وقوع حوادث تارشگری در کشورهای منطقه منا: رویکرد داده‌های پانل» (۱۴۰۰) در فصلنامه امنیت‌پژوهی چاپ کرده‌اند. نویسندگان با استفاده از اطلاعات مربوط به ۱۵ کشور منطقه منا طی سال‌های ۲۰۱۸-۱۹۷۰ و با بهره‌گیری از روش داده‌های پانل، عوامل مؤثر بر وقوع حوادث تروریستی را شناسایی کرده‌اند. نتایج این مطالعه با استفاده از برآوردگر اثرات ثابت^۱ (FE) در داده‌های پانل، نشان می‌دهد که دو متغیر درآمد سرانه و شاخص سرکوب سیاسی، اثر غیرخطی و به شکل U معکوس بر وقوع حوادث تروریستی داشته‌اند؛ به این معنا که در منطقه منا، وقوع حوادث تروریستی در کشورهای با درآمد سرانه (سرکوب سیاسی) متوسط، نسبت به کشورهای با درآمد سرانه (سرکوب سیاسی) پایین و بالا، بیشتر است. همچنین، جمعیت، تحصیلات، بی‌ثباتی سیاسی و بی‌ثباتی اقتصادی اثر مثبت و معناداری بر وقوع حوادث تروریستی در این منطقه داشته‌اند.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد تاکنون مطالعه داخلی خاصی در زمینه شناسایی تجربی عوامل مؤثر بر شاخص جامع صلح انجام نشده است. مطالعات خارجی انجام‌شده در این زمینه نیز بسیار محدود و اندک است. از طرفی، بررسی اثر غیرخطی رانت منابع طبیعی بر شاخص جامع صلح، در هیچ مطالعه تجربی مورد توجه قرار نگرفته است. به نظر می‌رسد، ممکن است از ترکیب فرصت‌ها و تهدیداتی که رانت منابع طبیعی برای صلح به وجود می‌آورد، یک رابطه غیرخطی بین این دو متغیر پدید آید؛ موضوع مهمی که در هیچ مطالعه داخلی و خارجی مورد بررسی و آزمون تجربی قرار نگرفته است. لذا این مطالعه برای نخستین بار به صورت تجربی تأثیر غیرخطی رانت حاصل از فروش نفت را بر شاخص (جامع و جدید) جهانی صلح^۲ (GPI) که توسط «مؤسسه اقتصاد و صلح»^۳ (IEP) ارائه شده و دربردارنده بیست‌وسه زیرشاخص در زمینه صلح منفی می‌باشد، مورد آزمون تجربی قرار می‌دهد. مطالعه حاضر می‌تواند از این منظر یافته‌های جدیدی در زمینه رابطه غیرخطی رانت منابع طبیعی و شاخص صلح، شناسایی و این خلأ مطالعاتی را تا حدودی پر کند؛ همچنین زمینه را برای مطالعات بیشتر در این زمینه فراهم می‌کند.

۲-۲. مبانی نظری

۲-۲-۱. تأثیر رانت منابع طبیعی بر صلح

شاخص صلح جهانی، وضعیت صلح را در سه حوزه اندازه‌گیری می‌کند:

الف. وسعت درگیری داخلی و بین‌المللی در جریان،

ب. سطح ایمنی و امنیت اجتماعی،

پ. درجه نظامی شدن.

رانت منابع طبیعی می‌تواند از طریق اثرگذاری بر این سه حوزه و زیرشاخص‌های آن‌ها، سطح شاخص صلح جهانی را تغییر دهد؛ در ادامه به‌طور مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین نحوه اثرگذاری غیرخطی احتمالی رانت منابع طبیعی بر شاخص صلح نیز تشریح می‌گردد.

۱-۱-۲-۲. منابع طبیعی و درگیری

«کولیر» و «هوفلر»^۱ (۲۰۱۲) چهار مکانیسم اصلی را به‌عنوان دلایل ارتباط منابع طبیعی و خطر بالاتر درگیری شناسایی کرده‌اند که در قسمت زیر به آن‌ها اشاره می‌شود:

(۱) **هانی‌پات**^۲؛ به گفته نویسندگان، هانی‌پات صرفاً ارزش ذاتی یک منبع طبیعی را نشان می‌دهد که حداقل برای همه طرف‌های ذی‌نفع ارزش مبارزه را دارد (طمع‌آور). به‌عبارت دیگر، منابع طبیعی ارزش (یا جایزه) تصرف دولت را افزایش می‌دهد و پاداش‌های بالاتر، تلاش‌های جنگی بزرگ‌تری را نیز جذب می‌کند (آجیده و همکاران، ۲۰۲۱: ۵۲).

(۲) **جنبش‌های جدایی‌طلب**؛ اگر منابع طبیعی در یک منطقه خاص از کشور متمرکز شده باشد (رانت نقطه‌ای منابع)، ممکن است این باور را در بین گروه‌های ناراضی ایجاد کند که تشکیل یک دولت جدید می‌تواند موفق‌تر باشد و رفاه و درآمد بیشتری را ایجاد کند (آوتی^۳، ۲۰۰۴). در واقع، زمانی‌که توزیع سرزمینی منابع، نابرابر است؛ مناطق اقلیت غنی از منابع، ممکن است انگیزه‌هایی برای جدایی داشته باشند (هامفریس^۴، ۲۰۰۵).

1. Collier & Hoeffler
2. Honeypots
3. Auty
4. Humphreys

(۳) تأمین مالی گروه‌های شورشی؛ منابع طبیعی، شورش را عملی‌تر و طولانی‌تر می‌کند؛ یعنی غارت و اخاذی در این زمینه، محدودیت‌های مالی را کاهش می‌دهد و راه‌اندازی و حفظ جنبش شورشی را آسان‌تر و امکان‌پذیر می‌کند (روه‌نر^۱، ۲۰۱۷: ۲).

(۴) انزوای دولت‌ها از رأی‌دهندگان؛ زمانی که در یک اقتصاد رانتی، شهروندان توسط دولت‌ها مشمول مالیات نمی‌شوند، قدرت، ابزار و انگیزه ضعیف‌تری برای نظارت بر دولت وجود دارد و دولت تعهد و اجبار اندکی برای پاسخگویی به خواسته‌های شهروندان دارد؛ این امر به سلب حمایت از دولت‌ها منجر می‌شود (اریف و همکاران^۲، ۲۰۲۱). به عبارت دیگر، اقتصادهای رانتی انگیزه‌های ایجاد نهادهای بوروکراتیک قوی برای کنترل درگیری را تضعیف می‌کنند (فیرون و لایتین^۳، ۲۰۰۳).

در مقابل برخی از مطالعات ادعا می‌کنند که کمبود (و نه فراوانی) منابع طبیعی به درگیری و بی‌ثباتی سیاسی منجر می‌شود (هومر-دیکسون^۴، ۱۹۹۹؛ کوبی و همکاران^۵، ۲۰۱۴). این گروه تحلیل‌های خود را بر اساس نظریه «نئومالتوسی‌ها»^۶ استوار می‌کنند. این نظریه استدلال می‌کند شکاف گسترده بین نرخ رشد جمعیت و در دسترس بودن منابع طبیعی ممکن است به سرخوردگی، شورش و درگیری منجر شود (نوچی‌فاها، ۲۰۲۱).

همچنین، گروهی از مطالعات جدیدتر با ترکیب دو نظریه اول و دوم، نظریه سومی مبتنی بر رابطه غیرخطی بین منابع طبیعی و درگیری داخلی کشف ارائه کرده‌اند. این گروه معتقدند که کمبود و فراوانی منابع طبیعی هر دو به افزایش سطح درگیری داخلی منجر می‌شوند (ترکیب نظریه کمبود و فراوانی منابع)؛ اما سطح معتدل منابع، درگیری داخلی را کاهش می‌دهد. در واقع، طبق این دیدگاه بین منابع طبیعی و درگیری داخلی یک رابطه غیرخطی به شکل U وجود دارد (سینی و همکاران، ۲۰۲۱). در مقابل این نظریه نیز، رابطه U معکوس بین منابع طبیعی و درگیری در گروهی از مطالعات تجربی شناسایی شده است (نوچی‌فاها، ۲۰۲۱). استدلال این گروه بر آن است که کشورهای فاقد منابع طبیعی (یا برخوردار از منابع طبیعی اندک) از پیامدهای منفی ناشی از وجود منابع طبیعی که به بی‌ثباتی سیاسی و انواع درگیری‌ها منجر می‌شوند، در امان هستند.

1. Rohner
2. Arif *et al.*
3. Fearon & Laitin
4. Homer-Dixon
5. Koubi & *et al.*
6. Neo-Malthusians

کشورهای برخوردار از وفور منابع طبیعی می‌توانند با تخصیص درآمدهای حاصل از فروش این منابع به امور رفاه اجتماعی و اقتصادی و تقویت ظرفیت‌های دولت، از شدت نارضایتی‌های موجود در جامعه بکاهند و مسائل و مشکلات موجود را به‌طور مسالمت‌آمیز حل کنند.

۲-۱-۲-۲. منابع طبیعی و امنیت اجتماعی

از مهم‌ترین زیرشاخص‌های حوزه ایمنی و امنیت اجتماعی شاخص جهانی صلح که ممکن است میزان آن‌ها در حضور منابع طبیعی دستخوش تغییر قرار گیرد، عبارت‌اند از:

- ❖ تروریسم،
- ❖ بی‌ثباتی سیاسی،
- ❖ جرم و جنایت،
- ❖ رابطه با کشورهای همسایه.

کانال‌های ذکر شده در بالا جهت رابطه بین منابع طبیعی و درگیری، به همان اندازه در معرض اقدامات تروریستی نیز می‌باشند، به‌ویژه در صورت استناد به مفهوم «نارضایتی»^۱ (آجیده و همکاران، ۲۰۲۱). وابستگی به منابع طبیعی می‌تواند از کانال‌های مختلفی با نارضایتی همراه باشد؛ اول، ثروت منابع طبیعی ممکن است به‌طور ناعادلانه‌تر از سایر ثروت‌ها توزیع شود. دوم، اقتصادهای وابسته به منابع طبیعی ممکن است در برابر شوک‌های تجاری آسیب‌پذیرتر باشند. این‌ها می‌تواند باعث بی‌ثباتی و نارضایتی در گروه‌هایی شود که از شوک‌ها رنج می‌برند (بازی و بیلتمن^۲، ۲۰۱۴).

سوم، فرایند استخراج منابع ممکن است باعث ایجاد نارضایتی شود؛ به‌عنوان مثال،

- ❖ از طریق مهاجرت اجباری،
- ❖ به دلیل محرومیت ناشی از تخریب محیط‌زیست،
- ❖ به دلیل ممنوعیت دسترسی به مشاغل پرسود معدنی (روهنر، ۲۰۱۷: ۲).

همه این شرایط ممکن است باعث خشم افراد آسیب‌دیده شود؛ و آن‌ها را مجبور می‌کند که برای تغییر وضعیت موجود یا دست به اسلحه ببرند یا خواستار استقلال اجتماعی-اقتصادی و سیاسی شوند. به‌طور خلاصه، تروریسم در جایی که رانت‌های منابع طبیعی به‌طور ناعادلانه توزیع می‌شود و این رانت‌ها برای اصلاح اثرات خارجی منفی ناشی از آن استفاده نمی‌شود، بسیار

محمول تر است (آجیده و همکاران، ۲۰۲۱: ۵۳). در مقابل، چنانچه رانت‌های حاصل از فروش منابع طبیعی صرف رفع محرومیت‌های نسبی و کاهش نارضایتی‌های موجود در جامعه و افراد آسیب‌دیده از منابع طبیعی و مبارزه با تروریسم شود، می‌توان حتی انتظار اثر منفی رانت منابع طبیعی بر تروریسم را نیز متصور شد.

افزایش رانت حاصل از منابع طبیعی می‌تواند در بلندمدت باعث تنش‌های سیاسی و بی‌ثباتی سیاسی شود. در واقع اگر افزایش درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی با تضعیف شاخص‌های حکمرانی نظیر: حاکمیت ضعیف قانون، عدم پاسخگویی و فساد گسترده همراه باشد، این درآمدهای رانتی صرف سرکوب، حامی‌پروری و توزیع رانت بین گروه‌های محدود قدرت می‌شود. رقابت بین گروه‌های محدود قدرت از یک‌طرف و نارضایتی مردم از این توزیع رانت از طرف دیگر، شرایط را برای تغییرات گسترده و بی‌ثباتی‌های سیاسی در هر لحظه فراهم خواهد کرد (محمدی‌فر و صادقی، ۱۳۹۹).

علاوه بر این فقر، نابرابری درآمد و بیکاری که از پیامدهای اقتصادی منفی یک اقتصاد رانتی و متکی به نفت هستند، می‌تواند سطح جرائم خشن (مانند قتل، گروگان‌گیری، سرقت مسلحانه و تیراندازی) را در جامعه به‌طور معناداری افزایش دهد (برخوردار و همکاران، ۱۴۰۱). البته در مقابل، نفت می‌تواند باعث خلق شرکای اقتصادی، توسعه اقتصادی و به دنبال آن افزایش ظرفیت امنیت ملی و ارتقا سطح صلح در یک کشور شود (نوروزی‌زاده و گودرزی، ۱۴۰۰). این امر، وابستگی متقابل بین کشورها را افزایش می‌دهد و در نتیجه هزینه فرصت درگیری‌های بین‌المللی را افزایش می‌دهد.

۳-۱-۲-۲. منابع طبیعی و نظامی‌سازی

جهان امروز، جهانی پر از تولیدات پیشرفته در حوزه نظامی است؛ بسیاری از کشورهای جهان بخش مهمی از توان مالی خود را معطوف به این عرصه مهم کرده‌اند. در حقیقت، واقعیت‌های جهان کنونی موجب شده که هر کشوری برای حفظ منافع خود مجبور باشد تا با تقویت بنیه دفاعی و نظامی خود، هزینه تهاجم نظامی کشورهای دیگر به مردمش را افزایش داده و از این طریق احتمال بروز جنگ را کاهش دهد (امیرآبادی فراهانی و صالح اصفهانی، ۱۳۹۸: ۵۲). «پیرلو-

فریمن» و «بیرانر»^۱ (۲۰۱۲) معتقدند رانت منابع طبیعی از چهار کانال، هزینه‌های نظامی را تحت تأثیر قرار می‌دهد:

(۱) اولین کانال، «دولت رانتیر» نام دارد. به دولت‌هایی که از منابع مستقل و جداگانه مالی (به‌جز مالیات) مانند رانت حاصل از فروش منابع طبیعی برخوردارند، دولت رانتیر می‌گویند. در واقع، درآمدهای حاصل از منابع طبیعی، دولت‌ها را از رأی‌دهندگانشان جدا می‌کند و این دولت‌ها به دلیل عدم نیاز به پاسخگویی مناسب، با استقلال بیش‌تری می‌توانند سیاست‌ها و خواسته‌های خود را به اجرا گذارند. بر این اساس، دولت به‌راحتی می‌تواند رانت حاصل از فروش منابع طبیعی را صرف خرید سلاح و واردات تجهیزات نظامی کند.

(۲) منابع طبیعی می‌توانند منشأ تنش و درگیری بین‌المللی باشند. این امر به افزایش هزینه‌های نظامی منجر می‌شود؛ حتی در کشورهایی که درگیری و تعارض وجود ندارد، افزایش هزینه‌های نظامی را می‌توان با هدف حفاظت از منابع طبیعی در مقابل دشمنان داخلی و خارجی فرضی و یا واقعی توجیه کرد.

(۳) عدم شفافیت در مدیریت درآمدهای حاصل از منابع طبیعی مانند نفت، به نفع حمایت از بودجه اختصاصی به هزینه‌های نظامی، می‌انجامد (ال-موالی^۲، ۲۰۱۵: ۵۰).

(۴) رژیم‌های دارنده منابع طبیعی، علاقه‌مند هستند درآمدهای حاصل از فروش این منابع را برای کمک به باقی ماندن در قدرت و حفظ رژیم، صرف گسترش مخارج نظامی (دفاعی) کنند (گل‌خندان، ۱۳۹۶).

بایستی توجه داشت که سطح معقول و بهینه هزینه‌های دفاعی و نظامی‌سازی نه تنها تهدیدی برای صلح نیست، بلکه می‌تواند از طریق ایجاد یک محیط امن، به ارتقا سطح صلح نیز کمک کند. در این زمینه رویکرد سنتی به امنیت معتقد است؛ امنیت یک کالا می‌باشد و انباشت قدرت، راه رسیدن به امنیت قلمداد می‌شود. طبق این دیدگاه، بازیگران هرچه قدرت (به‌ویژه قدرت نظامی) بیشتری گرد آورند، امنیت بیشتری خواهند داشت (اسماعیل‌نیا و وصفی‌اسفستانی، ۱۳۹۵: ۱۳۳).

همچنین، انتظار بر آن است که نظامی‌سازی و تقویت ارتش با افزایش هزینه درگیری، ریسک وقوع اقدامات خشونت‌آمیز را کاهش دهد (آرزکی و بروکنر^۳، ۲۰۲۱). علاوه بر این، برخورداری از

1. Perlo-Freeman & Brauner
2. Al-Mavali
3. Arezki & Brueckner

منابع طبیعی می‌تواند هزینه فرصت افزایش هزینه‌های نظامی و ایجاد مجتمع‌های نظامی - صنعتی^۱ را کاهش دهد و به تقویت توانایی ارتش یک کشور برای حفاظت از امنیت ملی، منابع طبیعی و در نتیجه افزایش امنیت کمک کند (علی و عبداللطیف^۲، ۲۰۱۵؛ دان و تیان^۳، ۲۰۱۵). اما انحراف مخارج بخش عمومی به سمت مخارج نظامی افراطی، می‌تواند به از دست‌دادن رفاه منجر شود (مهدوی و عادل، ۱۳۹۹).

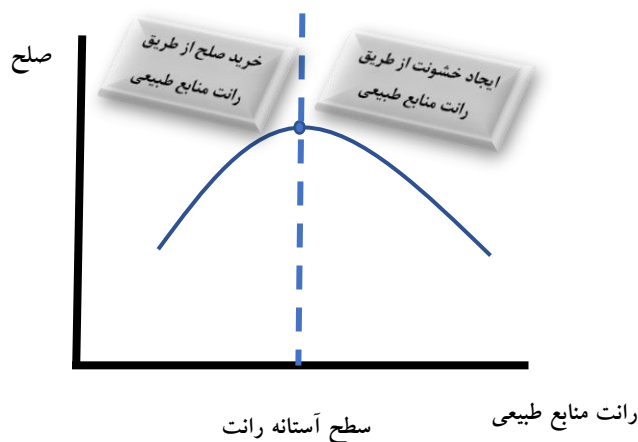
۴-۱-۲-۲. منابع طبیعی و صلح

همان‌طور که در قسمت‌های قبل تشریح شد، رانت حاصل از منابع طبیعی می‌تواند از طریق تأثیرگذاری بر زیرشاخص‌های صلح در حوزه‌های مختلف، سطح صلح را از کانال‌های مختلفی افزایش یا کاهش دهد. به نظر می‌رسد که در (ابتدا) سطوح پایین رانت منابع طبیعی، افزایش درآمدهای ناشی از فروش منابع طبیعی از مسیرهای مختلف زیر به افزایش صلح در جامعه منجر می‌شود:

- ❖ افزایش مخارج رفاه اجتماعی،
 - ❖ افزایش مخارج سرمایه انسانی (مخارج بهداشتی و آموزش)،
 - ❖ تقویت ظرفیت دولت،
 - ❖ ایجاد مجتمع‌های نظامی - صنعتی برای محافظت از امنیت ملی و مبارزه با تروریسم.
- درواقع، دولت‌ها نخست از درآمد حاصل از منابع فراوان برای آرام کردن گروه‌های مخالف و خرید صلح از طریق حمایت از اقشار ضعیف، سیاست‌های توزیعی در مقیاس بزرگ و سرکوب مؤثر استفاده می‌کنند (تیرانگ، ۲۰۲۱). اما پس از اینکه رانت منابع طبیعی به یک سطح مشخص به نام «سطح آستانه»^۴ (یا نقطه بازگشت) می‌رسد، با افزایش درآمدهای ناشی از فروش منابع و سوق یافتن رانت منابع طبیعی به سمت تشدید افراطی مخارج نظامی، تضعیف حکمرانی خوب و کاهش پاسخگویی دولت به مردم، افزایش فساد و تخصیص غیربهبینه منابع به صورت تبعیض‌آمیز که نتیجه آن فقر و نابرابری درآمد است، نارضایتی و شکایت افزایش می‌یابد. دولت در این وضعیت به دلیل تضعیف ظرفیت خود قادر به حل مسالمت‌آمیز این نارضایتی‌ها نیست، نتیجه این امر افزایش فعالیت‌های خشونت‌زا مانند حوادث تروریستی، جرائم خشن و درگیری‌های داخلی است که به

1. Military-Industrial Complex
2. Ali & Abdellatif
3. Dunne & Tian
4. Threshold Level

کاهش سطح صلح در جامعه می‌انجامد. بر این اساس می‌توان بین رانت حاصل از فروش منابع طبیعی و سطح صلح در جامعه، یک رابطه غیرخطی به صورت U معکوس و مطابق با شکل (۱) در نظر گرفت. بر این اساس می‌توان انتظار داشت کشورهایی که از سطوح معتدل (میانی) رانت منابع طبیعی برخوردارند، در قیاس با سایر کشورها سطح بالاتری دارند.



شکل شماره ۱. رابطه رانت منابع طبیعی و صلح (یافته‌های تحقیق بر اساس مبانی نظری و مطالعات تجربی)

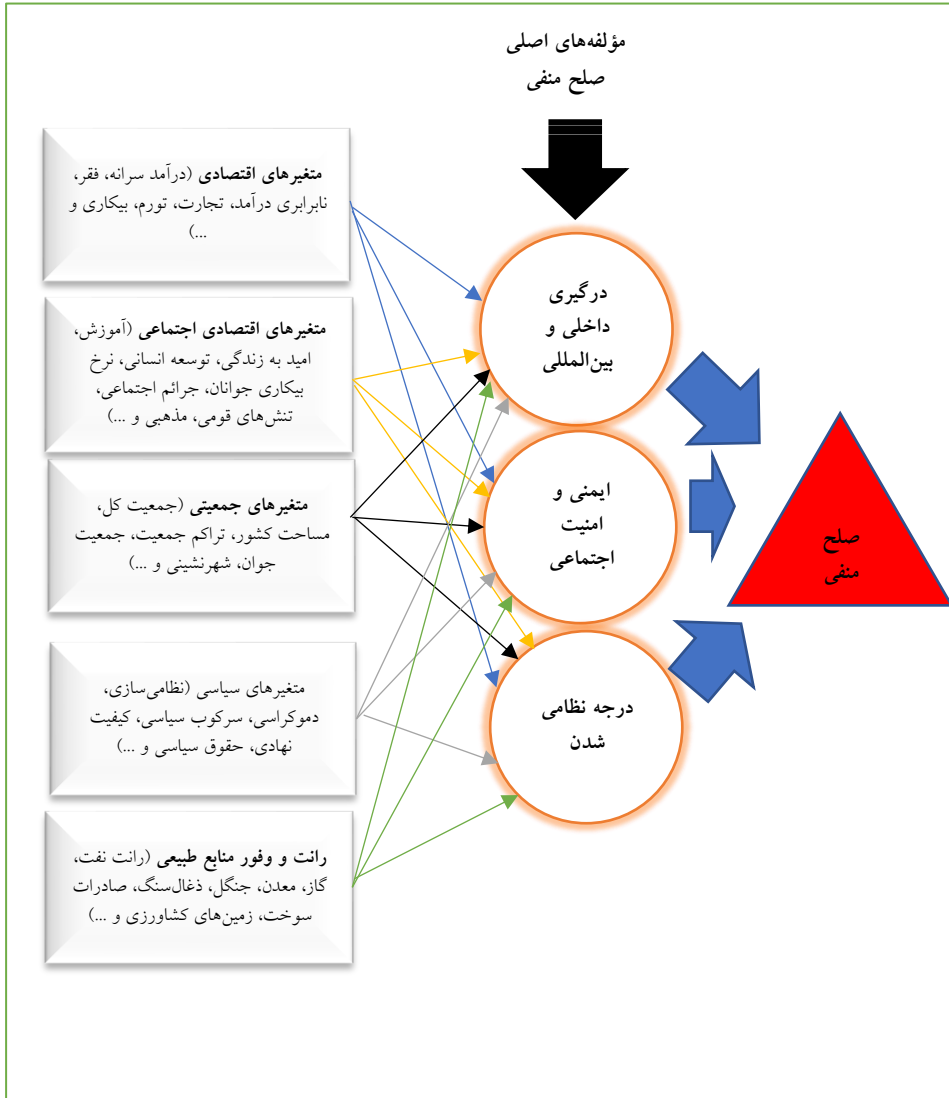
۲-۲-۲. عوامل مؤثر بر صلح

علاوه بر رانت منابع طبیعی، عوامل گوناگون دیگری بر سطح صلح مؤثرند. بر اساس مبانی نظری و مطالعات تجربی انجام‌شده در زمینه شاخص‌های صلح، عوامل تأثیرگذار بر سطح صلح را می‌توان در پنج دسته تقسیم کرد که عبارت‌اند از:

- ❖ متغیرهای اقتصادی،
- ❖ متغیرهای اقتصادی اجتماعی،
- ❖ متغیرهای جمعیتی،
- ❖ متغیرهای سیاسی،
- ❖ رانت و فراوانی منابع طبیعی.

هر یک از این عوامل با اثرگذاری بر مؤلفه‌های اصلی صلح منفی یعنی درگیری‌های داخلی و بین‌المللی، ایمنی و امنیت اجتماعی و درجه نظامی شدن، میزان شاخص صلح منفی را دستخوش تغییر قرار می‌دهند. اگرچه در مورد نوع و نحوه اثرگذاری برخی از این عوامل بر مؤلفه‌های اصلی

صلح منفی و در نهایت شاخص صلح، اجماع نظر واحدی وجود ندارد و نتایج ارائه شده در این زمینه ناهمگون است؛ اما اثرپذیری شاخص صلح از این عوامل تا حد زیادی در مطالعات تجربی تأیید شده است.



شکل شماره ۲. الگوی مفهومی عوامل مؤثر بر صلح منفی (یافته‌های تحقیق بر اساس مرور مطالعات تجربی)

۳-۲. مفهوم‌شناسی تحقیق

۱-۳-۲. معرفی شاخص جهانی صلح

شاخص جهانی صلح (GPI)، یکی از عناوین زیرمجموعه «چشم‌انداز بشریت»^۱ است که توسط «مؤسسه اقتصاد و صلح» (IEP) محاسبه و گزارش می‌شود. هدف شاخص جهانی صلح، ارائه یک تصویر داده‌محور پیرامون صلح، امنیت و توسعه در جهان است که موقعیت نسبی صلح‌آمیز بودن کشورها و مناطق را اندازه‌گیری می‌کند. این شاخص تلاش می‌کند با استفاده از داده‌های مربوط به صلح، خشونت و توسعه، به تحلیل بحران‌های جهانی بپردازد. گزارش مؤسسه اقتصاد و صلح، جامع‌ترین تحلیل مبتنی بر داده را تا به امروز در مورد روند صلح، ارزش اقتصادی آن و چگونگی توسعه جوامع صلح‌آمیز ارائه می‌دهد. در دهه گذشته، شاخص جهانی صلح، روند افزایش خشونت جهانی و صلح کمتر را ارائه کرده است (مؤسسه اقتصاد و صلح، ۲۰۲۲).

شاخص جهانی صلح حدود ۹۹/۷ درصد از جمعیت جهان (۱۶۳ کشور جهان) را با استفاده از ۲۳ شاخص کمی و کیفی از منابع بسیار معتبر پوشش می‌دهد و وضعیت صلح را در سه حوزه زیر اندازه‌گیری می‌کند:

الف) وسعت درگیری داخلی و بین‌المللی در جریان: با استفاده از شاخص‌های: ۱. تعداد و مدت درگیری داخلی؛ ۲. تعداد مرگ‌ومیر ناشی از درگیری سازمان‌یافته خارجی؛ ۳. تعداد تلفات ناشی از درگیری سازمان‌یافته داخلی؛ ۴. تعداد، مدت و نقش در درگیری‌های خارجی؛ ۵. شدت درگیری داخلی سازمان‌یافته.

ب) سطح ایمنی و امنیت اجتماعی: با استفاده از شاخص‌های: ۶. روابط با کشورهای همسایه؛ ۷. سطح جنایت درک‌شده در جامعه؛ ۸. تعداد پناهندگان و آوارگان به‌صورت درصدی از جمعیت؛ ۹. بی‌ثباتی سیاسی؛ ۱۰. تأثیر تروریسم؛ ۱۱. ترور سیاسی؛ ۱۲. تعداد قتل در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر؛ ۱۳. سطح جرم خشن؛ ۱۴. احتمال تظاهرات خشونت‌آمیز؛ ۱۵. تعداد زندانیان به‌ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر؛ ۱۶. تعداد افسران امنیت داخلی و پلیس به‌ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر.

پ) درجه نظامی شدن: با استفاده از شاخص‌های: ۱۷. هزینه‌های نظامی به‌صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی؛ ۱۸. تعداد پرسنل نیروهای مسلح در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر؛ ۱۹. حجم انتقال تسلیحات عمده متعارف به‌عنوان گیرنده (واردات) به‌ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر؛ ۲۰. حجم انتقال تسلیحات عمده متعارف به‌عنوان تأمین‌کننده (صادرات) به‌ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر؛ ۲۱. کمک مالی به

مأموریت‌های حافظ صلح سازمان ملل؛ ۲۲. توانایی سلاح‌های هسته‌ای و سنگین؛ ۲۳. سهولت دسترسی به تسلیحات کوچک و سبک (مؤسسه اقتصاد و صلح، ۲۰۱۹).

نمرات هر شاخص در مقیاس ۱ تا ۵ نرمال‌سازی می‌شود که به موجب آن شاخص‌های کیفی در پنج گروه‌بندی قرار می‌گیرند؛ شاخص‌های کمی از ۱ تا ۵ تا سه رقم اعشار امتیازبندی می‌شوند. در جمع‌آوری داده‌های این شاخص‌ها از منابع آماری متعددی مانند موارد زیر استفاده شده است:

- ❖ برنامه داده‌های درگیری اوپسالا^۱ (UCDP)؛
- ❖ واحد اطلاعات اکونومیست^۲ (EIU)؛
- ❖ بررسی روندهای جنایی و عملیات سیستم‌های عدالت کیفری سازمان ملل متحد^۳ (UNSCT)؛
- ❖ مرکز بین‌المللی مطالعات زندان در کینگز کالج لندن^۴ (ICPS)؛
- ❖ انتشارات مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک^۵ (IISS) در مورد موازنه نظامی؛
- ❖ پایگاه داده انتقال تسلیحات مؤسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم^۶ (SIPRI).

سپس نمرات در دو زیرشاخص وزنی جدول‌بندی شده‌اند: صلح داخلی با وزن ۶۰ درصد امتیاز نهایی یک کشور و صلح خارجی با وزن ۴۰ درصد امتیاز نهایی یک کشور. در نهایت این شاخص بر اساس نمرات کمی ۰ تا ۵ به رتبه‌بندی کشورهای جهان از منظر مؤلفه‌ای صلح می‌پردازد. در این رتبه‌بندی کشورهایی که از منظر محیط صلح‌آمیز وضعیت بهتری دارند، نمره کمتری دریافت می‌کنند. صلح منفی که به فقدان خشونت یا ترس از خشونت تعریف می‌شود، به‌عنوان تعریف صلح برای ایجاد و ساخت شاخص صلح جهانی توسط مؤسسه اقتصاد و صلح، استفاده می‌شود (مؤسسه اقتصاد و صلح، ۲۰۱۹).

پنج کشور برتر از نظر شاخص جهانی صلح و زیرشاخص‌های اصلی آن در ۲۰۲۰ م به شرح جدول (۱) است:

-
1. Uppsala Conflict Data Program
 2. Economist Intelligence Unit
 3. United Nations Survey of Criminal Trends and Operations of Criminal Justice Systems
 4. International Centre for Prison Studies at King's College London
 5. International Institute for Strategic Studies
 6. Stockholm International Peace Research Institute

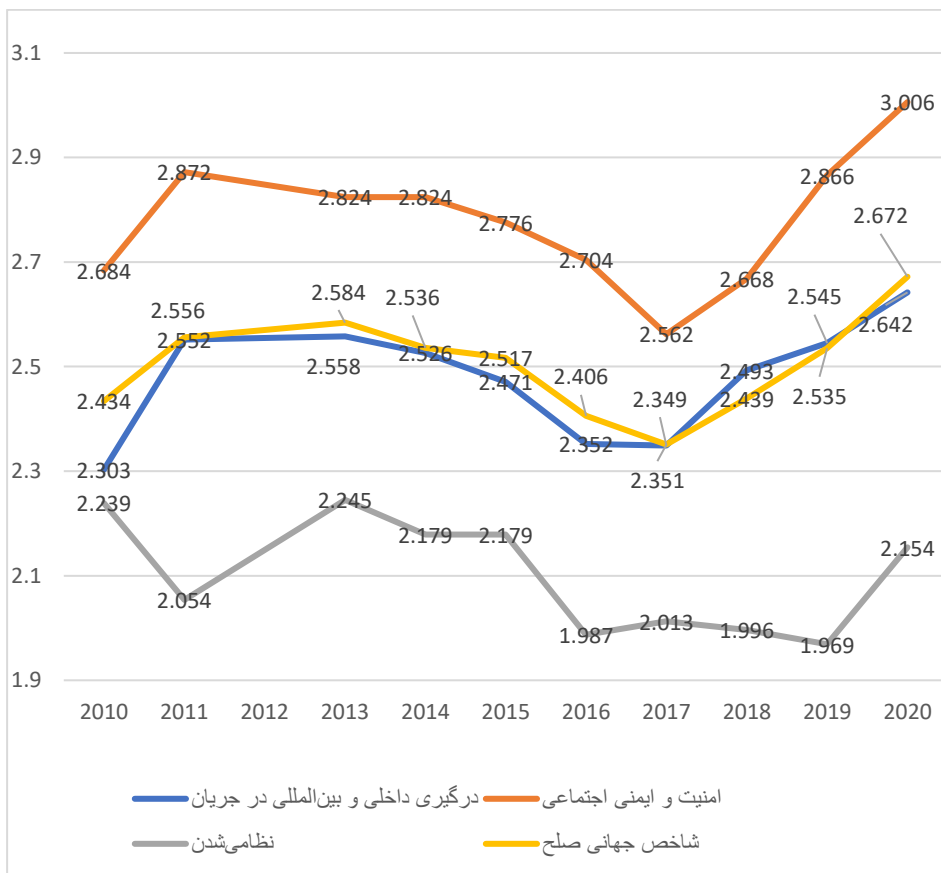
جدول شماره ۱. کشورهای برتر جهان از نظر شاخص جهانی صلح و زیرشاخص‌های اصلی آن در ۲۰۲۰ م. (مؤسسه اقتصاد و صلح، ۲۰۲۱)				
رتبه	شاخص صلح	امنیت و ایمنی اجتماعی	درگیری داخلی و بین‌المللی در جریان	نظامی شدن
۱	ایسلند	ایسلند	بوتسوانا، جزیره موریس، سنگاپور، اروگوئه	ایسلند
۲	نیوزلند	سنگاپور		مجارستان
۳	پرتغال	ژاپن		نیوزلند،
۴	اتریش	نروژ		اسلونی
۵	دانمارک	سوئیس	بلغارستان	مولداوی

پنج کشور دارای بدترین عملکرد از نظر شاخص صلح و زیرشاخص‌های اصلی آن در ۲۰۲۰ م. به شرح جدول (۲) فهرست شده‌اند.

جدول شماره ۲. کشورهای دارای بدترین عملکرد از نظر شاخص جهانی صلح و زیرشاخص‌های اصلی آن در ۲۰۲۰ م. (مؤسسه اقتصاد و صلح، ۲۰۲۱)				
رتبه	شاخص صلح	امنیت و ایمنی اجتماعی	درگیری داخلی و بین‌المللی در جریان	نظامی شدن
۱	یمن	افغانستان	سوریه	اسرائیل
۲	سودان جنوبی	عراق	افغانستان	روسیه
۳	عراق	سودان جنوبی	یمن	کره شمالی
۴	سوریه	ونزوئلا	جمهوری دموکراتیک کنگو	ایالات متحده امریکا
۵	افغانستان	جمهوری دموکراتیک کنگو	پاکستان	فرانسه

در گزارش شاخص جهانی صلح در ۲۰۲۰ م. ج.ا.ایران نمره ۲/۶۷ را کسب کرده و در رتبه ۱۴۲ قرار دارد. در شکل (۳) روند شاخص جهانی صلح و زیرشاخص‌های اصلی آن طی سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۰ برای ج.ا.ایران نشان داده شده است.

همان‌طور که این نمودار نشان می‌دهد شاخص جهانی صلح در ج.ا.ایران طی دوره ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ م، عملکردی نوسانی داشته است؛ اما به‌طور میانگین، یک روند رو به بهبود را نشان می‌دهد. مقدار شاخص صلح ایران از ۲/۴۳ واحد در ۲۰۱۰ م به ۲/۶۷ واحد در ۲۰۲۰ م رسیده است؛ این به‌معنای نزول در وضعیت صلح و آرامش در کشور هست. نکته مهم در نمودار این است که دو دوره بسیار بد در شاخص صلح وجود دارد: ۱. دوره اول از سال ۲۰۱۰ یعنی سال ۱۳۸۹ آغاز می‌شود که نمره شاخص صلح افزایش می‌یابد (بدتر می‌شود) که این افزایش تا ۲۰۱۳ ادامه می‌یابد و بعد روند کمی تعدیل می‌شود. ۲. دوره دوم نیز از سال ۲۰۱۷، یعنی یک سال پیش از خروج ایالات متحده از برجام، روند شدید افت صلح در ایران دوباره آغاز شده است.



شکل شماره ۳. روند شاخص جهانی صلح و زیرشاخص‌های اصلی آن طی سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۰ در ج.ا.ایران

(مؤسسه اقتصاد و صلح، ۲۰۲۱)

۳. روش‌شناسی تحقیق

به منظور بررسی اثر رانت نفت بر شاخص جهانی صلح در کشورهای صادرکننده نفت با الهام از مبانی نظری و مطالعات تجربی به‌خصوص پژوهش غزالیان و حمود (۲۰۲۰)، مدل نیمه‌لگاریتمی زیر تصریح شده است:

$$\text{peace}_{it} = f(\text{Ln}(\text{oil})_{it}, \text{Ln}(\text{income})_{it}, \text{Ln}(\text{inequality})_{it}, \text{Ln}(\text{open})_{it}, \text{Ln}(\text{life})_{it}, \text{democracy}_{it}) + \epsilon_{it} \quad (1)$$

Peace (شاخص جهانی صلح): مقدار این شاخص بین دو عدد صفر تا ۵+ می‌باشد که هرچه به سمت عدد ۵+ میل کند، نشان‌دهنده سطح پایین‌تری از صلح در یک کشور است. بنابراین شاخص جهانی صلح یک شاخص معکوس اندازه‌گیری صلح است. با توجه به این موضوع، به‌منظور آسان‌سازی تحلیل نتایج تجربی، داده‌های این شاخص با کسر از عدد ۵+ استاندارد و مورد استفاده قرار می‌گیرند. بر این اساس، مقادیر بزرگ‌تر این شاخص، صلح بالاتری را نشان می‌دهد.

$\text{Ln}(\text{oil.rents})$: لگاریتم طبیعی درصد سهم رانت ناشی از فروش نفت (که بر اساس تعریف بانک جهانی از تفاضل ارزش تولید نفت خام به قیمت‌های جهانی با کل هزینه‌های تولید آن به‌دست می‌آید) از GDP؛ به‌عنوان شاخص وفور منابع طبیعی.

$\text{Ln}(\text{income})$: لگاریتم طبیعی تولید ناخالص داخلی سرانه (به قیمت‌های ثابت ۲۰۱۵ م. و بر حسب دلار آمریکا)؛ به‌عنوان شاخص درآمد سرانه.

$\text{Ln}(\text{inequality})$: لگاریتم طبیعی نابرابری درآمد که برای اندازه‌گیری آن از ضریب جینی (و بر حسب درصد) استفاده شده است.

$\text{Ln}(\text{open})$: لگاریتم طبیعی درصد درجه (شدت) باز بودن تجاری (به‌صورت نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی).

$\text{Ln}(\text{life})$: لگاریتم طبیعی امید به زندگی (برحسب سال)؛ به‌عنوان شاخص سرمایه انسانی. به‌طور کلی برای اندازه‌گیری سرمایه انسانی در یک کشور از شاخص‌های آموزش و بهداشت استفاده می‌شود. در این مطالعه از امید به زندگی به دلیل کامل بودن داده‌های آن طی دوره مورد بررسی، استفاده شده است.

Democracy: شاخص اندازه‌گیری دموکراسی. برای اندازه‌گیری این شاخص از خالص

دموکراسی یا همان polity استفاده شده است. این شاخص برای سنجش درجه مشارکت مردم در دولت به کار می‌رود و از تفریق شاخص استبداد از شاخص دموکراسی به دست می‌آید. محدوده و مقدار این شاخص بین دو عدد +۱۰ و -۱۰ تغییر می‌کند؛ عدد -۱۰ به مفهوم استبداد مطلق و عدد +۱۰ به معنای دموکراسی کامل است. در این پژوهش با نرمال‌سازی داده‌های متغیر دموکراسی، محدوده و بازه مورد استفاده برای شاخص Polity بین دو عدد صفر تا +۱۰ متغیر است.

همچنین، i به مقاطع (کشورهای مورد مطالعه، شامل ۶۱ کشور صادرکننده نفت شامل ایران)، t به بازه زمانی تحقیق (۲۰۱۰-۲۰۲۰) و ϵ_{it} به جزء خطای تصادفی اشاره دارد. منبع داده‌های آماری شاخص جهانی صلح، مؤسسه اقتصاد و صلح، دموکراسی، مرکز مطالعات Polity IV وابسته به دانشگاه مریلند^۱ و سایر متغیرها، شاخص‌های توسعه جهانی^۲ (WDI) متعلق به بانک جهانی می‌باشد.

با توجه به اینکه فرضیه اصلی پژوهش حاضر، آزمون اثرات غیرخطی رانت نفت بر شاخص جهانی صلح است؛ بنابراین مدل تجربی آن به صورت یک مدل پانل آستانه‌ای و به شکل زیر تصریح خواهد شد:

$$\begin{aligned} \text{peace}_{it} = & \beta_0 + \beta_1 \text{Ln}(\text{income})_{it} + \beta_2 \text{Ln}(\text{inequality})_{it} + \beta_3 \text{Ln}(\text{open})_{it} \\ & + \beta_4 \text{Ln}(\text{life})_{it} + \beta_5 \text{democracy}_{it} + A(\text{Ln}(\text{oil})_{it} \leq \gamma) * \beta_6 \text{Ln}(\text{oil})_{it} \\ & + A(\text{Ln}(\text{oil})_{it} > \gamma) * (\beta_7 + \beta_8 \text{Ln}(\text{oil})_{it}) + \epsilon_{it} \quad (2) \\ & A(\text{Ln}(\text{oil})_{it} \leq \gamma) = 1 \text{ if } \text{Ln}(\text{oil})_{it} \leq \gamma \\ & A(\text{Ln}(\text{oil})_{it} > \gamma) = 1 \text{ if } \text{Ln}(\text{oil})_{it} > \gamma \end{aligned}$$

در معادله فوق، $\text{Ln}(\text{oil})_{it}$ متغیر آستانه‌ای مدل و γ ارزش (مقدار) حد آستانه‌ای لگاریتم طبیعی درصد سهم رانت نفت از GDP است؛ لازم است مقدار آن به صورت تجربی برآورد شود. در اینجا، چون شاخص رانت نفت به صورت لگاریتم طبیعی وارد مدل شده است، بنابراین مقدار حد آستانه‌ای درصد سهم رانت نفت از GDP عبارت است از: e^γ . به این منظور، ارزش حد آستانه‌ای به پیروی از روش هانسن^۳ (۱۹۹۹) و با برآورد رابطه (۲) به‌ازای مقادیر مختلف آستانه $\text{Ln}(\text{oil})_{it}$ حداقل نمودن مجموع مجذور خطاها به دست می‌آید.

به عبارت دیگر، آن میزان از متغیر آستانه که متضمن کمترین (حداقل) میزان مجموع مجذور خطاست، آستانه بهینه است. برای معناداری این حد آستانه‌ای از روش باز نمونه‌گیری^۱ هانسن (۱۹۹۹ و ۲۰۰۰) استفاده می‌شود.

۴. یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱. یافته‌های تحقیق

اولین گام پیش از برآورد مدل در داده‌های پانل، انجام آزمون مانایی است. با توجه به کوتاه بودن بازه زمانی تحقیق، نیازی به انجام آزمون مانایی نیست؛ اما به منظور حصول به اطمینان کامل در زمینه عدم برآورد رگرسیون کاذب، این آزمون انجام شده است. خلاصه نتایج آزمون مانایی ایم، پسران و شین^۲ (IPS) در جدول (۳) گزارش شده است.

بر اساس این جدول و سطوح احتمال فرضیه صفر که نشان‌دهنده نامانایی متغیر مورد بررسی است، نتیجه می‌گیریم که کلیه متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد، در سطح مانا قرار دارند؛ بنابراین نیازی به بررسی مانایی تفاضل متغیرها و انجام آزمون‌های هم‌انباشتگی نیست. از این رو، بدون نگرانی از بروز رگرسیون کاذب می‌توان مدل را برآورد کرد.

متغیر	آماره در سطح	سطح احتمال	درجه مانایی
peace	-۵/۸۱۵***	۰/۰۰۰	I(0)
Ln(oil)	-۲/۲۱۴**	۰/۰۱۳	I(0)
Ln(income)	-۳/۶۹۹***	۰/۰۰۰	I(0)
Ln(inequality)	-۷/۱۸۸***	۰/۰۰۰	I(0)
Ln(open)	-۱۰/۶۸۱***	۰/۰۰۰	I(0)
Ln(life)	-۵/۱۱۵***	۰/۰۰۰	I(0)
democracy	-۵/۵۳۷***	۰/۰۰۰	I(0)

توجه: علائم *** و ** به ترتیب نشان‌دهنده معناداری در سطوح احتمال ۱ و ۵ درصد می‌باشند.

به منظور گزینش بین دو روش داده‌های پانل^۱ (ترکیبی) و تلفیقی^۲ (پولینگ) در برآورد مدل، از آزمون F لیمر استفاده می‌شود. فرضیه صفر این آزمون نشان‌دهنده آن است که هر یک از مقاطع عرض از مبداهای یکسانی دارند (لزوم استفاده از داده‌های تلفیقی) و فرضیه مقابل اشاره به ناهمسانی عرض از مبداهای هر یک از مقاطع دارد (لزوم استفاده از داده‌های پانل).

نتایج آزمون F لیمر در قسمت الف جدول (۴) نشان داده شده است. با توجه به سطح احتمال آزمون F لیمر، فرضیه صفر مبنی بر قابلیت برآورد داده‌ها به شیوه تلفیقی پذیرفته نمی‌شود؛ لازم است که مدل به روش داده‌های پانل (ترکیبی) برآورد شوند.

روش پانل با استفاده از دو مدل اثرات ثابت^۳ (FE) و اثرات تصادفی^۴ (RE) و انتخاب نهایی بین این دو روش به وسیله آزمون هاسمن انجام می‌شود. فرضیه صفر این آزمون به استفاده از مدل اثرات تصادفی دلالت دارد. سطح احتمال آزمون هاسمن در قسمت ب جدول (۴) نشان‌دهنده مناسب بودن مدل اثرات ثابت جهت برآورد مدل تحقیق است.

جدول شماره ۴. نتایج آزمون‌های F لیمر و هاسمن برای مدل تحقیق (یافته‌های تحقیق)			
نام آزمون	مقدار آماره	سطح احتمال	نتیجه
الف. آزمون F لیمر	۸/۸۸۲***	۰/۰۰۰	استفاده از داده‌های پانل
ب. آزمون هاسمن	۳۰/۱۱۵***	۰/۰۰۰	استفاده از برآوردگر FE

توجه: علامت *** نشان‌دهنده معناداری در سطح احتمال ۱ درصد و اعداد داخل پرانتز بیانگر سطح احتمال فرضیه صفر می‌باشند.

جدول (۵)، نتایج برآورد مدل پانل آستانه‌ای با اثرات ثابت را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج این جدول، کلیه ضرایب برآوردی در سطح اطمینان ۹۵ درصد، از معناداری لازم برخوردارند. همچنین، مقدار ضریب تعیین مدل، حاکی از قدرت بالای توضیح‌دهندگی آن است؛ به گونه‌ای که حدود ۹۳ درصد تغییرات شاخص جهانی صلح (متغیر مستقل) توسط متغیرهای توضیحی مدل، توضیح داده شده است. بر این اساس نتایج تجربی به دست آمده، قابلیت تحلیل و تفسیر تجربی دارند.

1. Panel Data
2. Pooling Data
3. Fixed Effect
4. Random Effect

جدول شماره ۵. نتایج برآورد مدل پانل آستانه‌ای با اثرات ثابت (یافته‌های تحقیق)			
متغیر	نماد	ضریب برآوردی	ارزش احتمال
حد آستانه لگاریتم طبیعی سهم رانت نفت از GDP	γ	۳/۵۷۸***	۰/۰۰۰
عرض از مبدأ در رژیم رانت نفتی پایین	$C (\text{Ln}(\text{oil}) \leq \gamma = 3.578)$	۳/۲۵۸***	۰/۰۰۰
عرض از مبدأ در رژیم رانت نفتی بالا	$C (\text{Ln}(\text{oil}) > \gamma = 3.578)$	۵/۹۱۲***	۰/۰۰۰
لگاریتم طبیعی سهم رانت نفت از GDP در رژیم رانت نفتی پایین	$\text{Ln}(\text{oil}) (\text{Ln}(\text{oil}) \leq \gamma = 3.578)$	۰/۰۴۱***	۰/۰۰۰
لگاریتم طبیعی سهم رانت نفت از GDP در رژیم رانت نفتی بالا	$\text{Ln}(\text{oil}) (\text{Ln}(\text{oil}) > \gamma = 3.578)$	-۰/۰۶۸***	۰/۰۰۰
لگاریتم طبیعی درآمد سرانه	$\text{Ln}(\text{income})$	۰/۲۵۱***	۰/۰۰۱
لگاریتم طبیعی نابرابری درآمد	$\text{Ln}(\text{inequality})$	-۰/۰۲۶**	۰/۰۲۹
لگاریتم طبیعی درجه بازبودن تجاری	$\text{Ln}(\text{open})$	۰/۱۶۷**	۰/۰۱۱
لگاریتم طبیعی امید به زندگی	$\text{Ln}(\text{life})$	۰/۱۰۵**	۰/۰۴۸
دموکراسی	democracy	۰/۴۱۴***	۰/۰۰۰
ضریب تعیین	R^2		۰/۹۳۱

توجه: علائم *** و ** به ترتیب نشان‌دهنده معناداری در سطوح احتمال ۱ و ۵ درصد است.

بر اساس آزمون‌های فروض کلاسیک ارائه‌شده در جدول (۶)، باقیمانده‌های مدل برآورد شده، توزیع نرمال دارند و مدل برآورد شده فاقد مشکلات ناهمسانی واریانس، خودهمبستگی و خطای تصریح است.

جدول شماره ۶. نتایج حاصل از آزمون‌های فرض کلاسیک مدل برآوردشده (یافته‌های تحقیق)				
نام آزمون	آماره آزمون	مقدار آماره	ارزش احتمال	نتیجه
نرمالیتی	جارك-برا	۰/۷۵۸	۰/۷۰۶	تأیید فرضیه صفر مبنی بر توزیع نرمال باقیمانده‌ها
واریانس همسانی	بروش-پاگان	۰/۰۵۱	۰/۸۲۶	تأیید فرضیه صفر مبنی بر همسانی واریانس
همبستگی سریالی	بروش-گادفری	۰/۴۱۲	۰/۵۵۲	تأیید فرضیه صفر مبنی بر عدم خودهمبستگی
فرم تبعی	رمزی	۰/۳۵۵	۰/۷۳۹	تأیید فرضیه صفر مبنی بر تصریح صحیح مدل

۲-۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

بر اساس نتایج تجربی ارائه شده در جدول (۵):

حد آستانه‌ای لگاریتم طبیعی سهم رانت نفت از GDP برای کشورهای صادرکننده نفت ۳/۵۷۸ به دست آمده؛ مقدار آنتی لگاریتم آن نیز حدود ۳۶ است. نتایج آزمون خطی بودن هانسن با رژیم باز نمونه‌گیری، معنی داری حد آستانه را تأیید می‌کند. مفهوم این حد آستانه آن است که؛ در رژیم رانت نفتی پایین، یعنی تا زمانی که سهم رانت نفت از GDP کمتر از ۳۶ درصد باشد، افزایش رانت نفت، تأثیر مثبت و معناداری بر شاخص جهانی صلح در کشورهای صادرکننده نفت داشته است. اما در رژیم رانت نفتی بالا، یعنی زمانی که سهم رانت نفت از GDP بیشتر از ۳۶ درصد باشد، افزایش رانت نفت به کاهش شاخص جهانی صلح منجر می‌شود. بر این اساس می‌توان یک رابطه به شکل U معکوس را بین رانت نفت و شاخص جهانی صلح در کشورهای صادرکننده نفت در نظر گرفت.

به عبارت دیگر، کشورهای دارای رانت اندک نفت و کشورهای برخوردار از رانت فراوان نفت، در قیاس با کشورهای برخوردار از سطح متعادل (میانی) رانت نفت، سطح صلح پایین‌تری دارند. این نتایج تأییدکننده فرضیه اصلی این تحقیق مبنی بر وجود رابطه غیرخطی و U معکوس بین رانت نفت و شاخص جهانی صلح در کشورهای صادرکننده نفت است. در مدل برآوردی، عرض از مبدأ در دو رژیم متفاوت بوده؛ این امر نشان از تغییر رژیم رانت نفتی دارد.

لگاریتم طبیعی درآمد سرانه ($\ln(\text{income})$) با ضریب برآوردی ۰/۲۵۱، تأثیر مثبت و معنادار بر شاخص جهانی صلح در کشورهای مورد مطالعه داشته است. کشورهایی که از سطح درآمد

سراجه کمتر و بالتبع سطح توسعه اقتصادی پایین‌تری برخوردارند، اغلب از میزان بالای فقر، رنج می‌برند؛ و بیشتر در معرض فعالیت‌های خشونت‌زا قرار دارند. به این دلیل که افراد در چنین کشورهایی هزینه فرصت نسبتاً پایینی برای پیوستن به جنبش‌های شورشی دارند (والتر، ۲۰۰۶). در مقابل، کشورهای با سطوح بالاتر توسعه اقتصادی که معمولاً با سطح درآمد سرانه بالاتر مشخص می‌شوند، به اتخاذ سیاست‌های رفاه اجتماعی سخاوتمندانه تمایل دارند؛ این امر میزان فقر و سطح نابرابری و بالتبع نارضایتی‌ها را کاهش می‌دهد (تایداس و پکسن، ۲۰۱۲). هزینه‌های رفاهی برای آموزش، بهداشت و تأمین اجتماعی به بهبود استانداردهای زندگی، به‌ویژه برای طبقات فقیر منجر می‌شود؛ این امر به هزینه فرصت بالاتر برای پیوستن به جنبش‌های شورشی می‌شود. همچنین، کشورهای توسعه‌یافته، ابزار بهتر و ظرفیت‌های بالاتری برای پراکنده کردن درگیری‌ها دارند (مک‌براید و همکاران، ۲۰۱۱). بنابراین درآمد سرانه بالاتر به افزایش صلح در کشورهای مورد مطالعه منجر می‌شود.

لگاریتم طبیعی نابرابری درآمد ((Ln(inequality)) با ضریب برآوردی $-۰/۰۲۶$ ، تأثیر منفی و معنادار بر شاخص جهانی صلح داشته است. رابطه منفی بین نابرابری درآمد و شاخص صلح به نظریه محرومیت نسبی ارائه‌شده توسط محققى به نام گور^۴ (۱۹۷۰) بازمی‌گردد. بر اساس این نظریه، محرومیت نسبی موجب بروز نارضایتی در افراد می‌شود و نارضایتی، محرکی کلی برای اقدام علیه منبع محرومیت است؛ این موضوع اقدامات رادیکال یا حتی خشونت‌زا را القا می‌کند (ازکورا، ۲۰۱۸).

لگاریتم طبیعی درجه باز بودن تجاری ((Ln(open)) با ضریب برآوردی $۰/۱۶۷$ ، تأثیر مثبت و معنادار بر شاخص جهانی صلح داشته است. تجارت، وابستگی متقابل بین کشورها را افزایش و در نتیجه هزینه فرصت درگیری‌ها را بالا می‌برد. ادبیات نظری اولیه نیز از این دیدگاه حمایت می‌کند. دوپچ^۵ (۱۹۵۷) نشان می‌دهد که باز بودن تجارت، تبادل بین فرهنگی را تحریک می‌کند و حس همبستگی را در بین شرکای تجاری افزایش می‌دهد. همچنین، هیرشمن^۶ (۱۹۸۰) تأکید می‌کند که تجارت به افزایش ارتباطات بین کشورها و در نتیجه تشویق همکاری سیاسی بین

-
1. Walter
 2. Taydas & Peksen
 3. McBride
 4. Gurr
 5. Deutsch
 6. Hirschman

شرکای تجاری منجر می‌شود. لگاریتم طبیعی امید به زندگی ($\ln(\text{life})$) نیز به‌عنوان شاخص سرمایه انسانی با ضریب برآوردی ۰/۱۰۵، تأثیر مثبت و معنادار بر شاخص جهانی صلح داشته است. انتظار غالب بر آن است که سرمایه انسانی بالاتر باعث کاهش تنش‌های ناشی از اختلافات شده و اقدامات خشونت‌زا را کاهش دهد. امید به زندگی بالاتر در یک کشور نشان‌دهنده وجود استانداردهای لازم برای یک زندگی قابل قبول است که تمایل مردم به مشارکت در درگیری‌ها و فعالیت‌های تنش‌زا را کاهش می‌دهد.

شاخص دموکراسی (democracy) با ضریب برآوردی ۰/۴۱۴، تأثیر مثبت و معنادار بر شاخص جهانی صلح داشته است. در توجیه نتیجه به‌دست آمده می‌توان گفت که؛ جوامع دموکرات می‌توانند مشکلات را به‌صورت مسالمت‌آمیز حل کنند و نهادهای دموکراتیک به حفظ ثبات سیاسی و محدودکردن تضادهای داخلی کمک می‌کنند (غزالیان و حمود، ۲۰۲۰).
به‌طور کلی ادبیات نظری گسترده‌ای در این زمینه وجود دارد که نشان می‌دهند دموکراسی بالاتر، تمایل به اجتناب از مدیریت درگیری‌ها از طریق مداخلات نظامی دارد (جانوویتز، ۱۹۸۱؛ دیاموند، ۱۹۹۹؛ فیور و گلپی، ۲۰۰۴).

۵. نتیجه‌گیری

پیرامون دیدگاه‌های متضاد و نتایج تجربی ناهمگن در زمینه رابطه رانت منابع طبیعی و زیرشاخص‌های صلح و مطالعات تجربی محدود انجام شده در زمینه عوامل مؤثر بر شاخص جامع صلح، پژوهش حاضر به بررسی رابطه رانت منابع نفت و شاخص جهانی صلح در ۶۱ کشور صادرکننده نفت طی دوره‌ی زمانی ۲۰۲۰-۲۰۱۰ و با تأکید بر فرضیه اثرگذاری غیرخطی پرداخته است. به این منظور از متغیرهای درآمد سرانه، نابرابری درآمد، درجه بازبودن تجاری، امید به زندگی و دموکراسی به‌عنوان متغیر کنترل و جهت برآورد مدل تحقیق از روش پانل آستانه‌ای با اثرات ثابت استفاده شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد؛

۱. تأثیر رانت نفت بر شاخص جهانی صلح، غیرخطی و به‌صورت رابطه U معکوس است. مقدار حد آستانه رانت نفت حدود ۳۶ درصد از GDP برآورد شده است. بر این اساس می‌توان گفت تا قبل از حد آستانه، سهم رانت نفت از GDP تأثیری مثبت و معنی‌دار بر شاخص جهانی

صلح داشته است؛ اما پس از عبور از این حد آستانه، سهم رانت نفت از GDP تأثیری منفی و معنی‌دار بر شاخص جهانی صلح در کشورهای مورد مطالعه دارد. این نتایج نشان می‌دهد؛ رانت نفت از یک حد آستانه به بعد، با کاهش سطح صلح در جامعه، تبدیل به نفرین شده است و فرضیه نفرین منابع برای رژیم رانت بالا تأیید می‌شود. هرچند، رانت نفت قبل از رسیدن به سطح آستانه، توانسته به‌عنوان یک موهبت، سبب افزایش صلح در جامعه شود.

۲. درآمد سرانه، درجه باز بودن اقتصادی، امید به زندگی و دموکراسی، اثر مثبت و معنادار و نابرابری درآمد، اثر منفی و معناداری بر سطح صلح در کشورهای صادرکننده نفت داشته است.

۳. سیاست‌گذاران کشورهای صادرکننده نفت باید به رابطه آستانه‌ای رانت نفت بر سطح صلح جامعه در اتخاذ سیاست‌ها و تخصیص منابع نفتی در بودجه، توجه ویژه‌ای داشته باشند. در این راستا، سیاستمداران کشورهایی که از سطح آستانه رانت نفت گذشته‌اند (حدود ۳۶ درصد از GDP)، بایستی افزایش رانت نفت را در جهت تقویت شاخص‌های صلح، صرف مخارج رفاه اجتماعی مانند آموزش و بهداشت (به‌جای هزینه کردن افراطی در تجهیزات و ادوات نظامی)، تلاش برای رفع فقر و نابرابری، تقویت ظرفیت دولت و هرگونه اقدامی که نارضایتی و شکایت در جامعه را کاهش می‌دهد و به رفع مسالمت‌آمیز تنش‌ها می‌انجامد، به‌کار گیرند.

۴. تلاش و اعمال سیاست‌های لازم در زمینه ارتقا رشد اقتصادی و کاهش نابرابری درآمد، تقویت سرمایه انسانی و مؤلفه‌های مؤثر بر دموکراسی و حرکت به سمت یک اقتصاد باز می‌تواند به ارتقا سطح صلح در کشورهای صادرکننده نفت کمک کند.

منابع

الف- فارسی

- آرمین، سیدعزیز؛ کفیلی، وحید؛ فرازمنند، حسن؛ و ملتفت، حسین (۱۳۹۶). «عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم در ایران؛ کاربرد انتقال ملایم پانلی»، *پژوهشنامه اقتصادی*، ۱۷(۶۶)، ۱۵۰-۱۲۵.
- اسماعیل‌نیا، علی‌اصغر؛ وصف‌اسفستانی، شهرام (۱۳۹۵). «تأثیر امنیت بر رشد اقتصادی در ایران و برخی کشورهای منتخب»، *پژوهشنامه اقتصادی*، ۱۶(۶۱)، ۱۵۴-۱۲۷.
- امیرآبادی فراهانی، احمد؛ صالح اصفهانی، اصغر (۱۳۹۸). «ارزیابی تطبیقی تأثیر مخارج نظامی بر تولید ناخالص داخلی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منتخب»، *مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*، ۹(۳۷)، ۶۶-۴۳.
- برخوردار، شهرزاد؛ نوابخش، مهرداد؛ و کلدی، علیرضا (۱۴۰۱). «بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر جرایم خشن»، *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۱۶(۵۹)، ۱۶۷-۱۹۸.
- گل‌خندان، ابوالقاسم (۱۳۹۶). «تحلیل پویای رابطه منابع طبیعی و نظامی‌گری در کشورهای خاورمیانه»، *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۲۲(۷)، ۳۷-۱۹.
- گل‌خندان، ابوالقاسم (۱۳۹۷). «عوامل مؤثر بر هزینه‌های نظامی در کشورهای منطقه MENA با تأکید بر منابع طبیعی: رویکرد میانگین‌گیری مدل بیزی (BMA)»، *اقتصاد محیط‌زیست و منابع طبیعی*، ۲(۳)، ۹۸-۷۱.
- گل‌خندان، ابوالقاسم؛ محمدیان‌منصور، صاحب‌ه (۱۴۰۰). «عوامل مؤثر بر وقوع حوادث تارشنگری در کشورهای منطقه منا: رویکرد داده‌های پانل»، *امنیت پژوهی*، ۹(۱۰)، ۲۳۰-۲۰۹.
- محمدی‌فر، نجات؛ صادقی، بهروز (۱۳۹۹). «تحلیل اثرات تعاملی حکمرانی خوب و دولت رانتیر بر بی‌ثباتی سیاسی کشورهای عضو اوپک با استفاده از روش گشتاور تعمیم‌یافته GMM»، *اقتصاد و توسعه منطقه‌ای*، ۲۷(۱۹)، ۱۹۶-۱۶۵.
- مهدوی، هوشمند؛ عادل، امیدعلی (۱۳۹۹). «برآورد تابع تقاضا برای هزینه‌های نظامی در کشورهای حاشیه خلیج فارس: رویکرد ایستا و پویا»، *مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*، ۱۰(۳۸)، ۳۰۲-۲۸۵.
- نوروزی‌زاده، فتح‌اله؛ گودرزی، مهناز (۱۴۰۰). «بررسی نقش ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ترانزیت انرژی (نفت و گاز) خلیج فارس بر امنیت ملی ایران»، *پژوهش‌های سیاسی جهان*

ب- انگلیسی

- Ajide, K.B. & Alimi, O.Y. (2021). "Natural Resource Rents, Inequality, and Terrorism in Africa". *Defence and Peace Economics*.
- Ajide, K.B., Adenuga, J.L. & Raheem, D.R. (2020). "Natural Resource Rents, Political Regimes and Terrorism in Africa", *International Economics*, 162, 50-66.
- Ali, H. E., & Abdellatif, O.A. (2015). "Military Expenditure and Natural Resources: Evidence from Rentier States in the Middle East and North Africa", *Defence and Peace Economics*, 26 (1), 5-13.
- Al-Mawali, M. (2015). "Do Natural Resources of Rentier States Promote Military Expenditures? Evidence from GCC Countries", *Journal of Economic & Financial Studies*, 3 (3), 49-53 .
- Arezki, R. & Brueckner, M. (2021). "Natural Resources and Civil Conflict: The Role of Military Expenditures", *J. Risk Financial Manag*, 14 (12), 1-26.
- Arif, U., Usman, M. & Khan, F.N. (2021). "Natural Resources Rents and Internal Conflict: The Role of Institutional Quality", *The Singapore Economic Review*, 1-21.
- Auty, R. (2004). "Natural Resources and Civil Strife: A Two-stage", *Process. Geopolitics*, 9, 29-49.
- Bazzi, S. & Blattman, C. (2014). "Economic Shocks and Conflict: The Evidence from Commodity Prices", *American Economic Journal: Macroeconomics*, 6, 1-38.
- Collier, P. & Hoeffler, A., (2012). "High-Value Natural Resources, Development and Conflict: Channels of Causation", *Strengthening Post-Conflict Peacebuilding through Natural Resource Management*, vol. 1.
- Deutsch, K.W. (1957). *Political Community and the North Atlantic Area: International Organization in the Light of Historical Experience*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Diamond, L. (1999). **Developing Democracy: Toward Consolidation**. Baltimore. MD: John Hopkins University Press
- Dunne, J.P. & Tian, N. (2015). "Military Expenditure, Economic Growth and Heterogeneity", *Defence and Peace Economics*, 26 (1), 15-31.

- Ezcurra, R. (2018). “Interregional Inequality and Civil Conflict: Are Spatial Disparities a Threat to Stability and Peace?”, *Defence and Peace Economics*, 30 (7), 759-782
- Farzanegan, M.R., Lessmann, C. & Markwardt, G. (2018). “Natural Resource Rents and Internal Conflicts: Can Decentralization Lift the Curse?”, *Economic Systems*, 42, 186-205.
- Fearon, J.D. & Laitin, D. (2003). Ethnicity, Insurgency, and Civil War. *American Political Science Review*, 97 (1), 75-91.
- Feaver, P. D. & Gelpi, C. (2004). *Choosing Your Battles: American Civil– Military Relations and the Use of Force*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Ghazalian, P.L & Hammoud, M. (2020). “The Peace Level of Nations: An Empirical Investigation into the Determining Factors”, *Defence and Peace Economics*, 32 (5), 509-532
- Gurr, T.R. (1970). *Why Men Rebel. Princeton (NJ)*. Princeton University Press.
- Hansen, B.E. (1999). “Threshold Effects in Non-Dynamic Panels: Estimation, Testing, and Inference”, *Journal of Econometrics*, 93 (2), 345-368.
- Hansen, B.E. (2000). “Sample Splitting and Threshold Estimation”, *Econometrica*, 68 (3), 575-603.
- Hirschman, A.O. (1980). *National Power and the Structure of Foreign Trade. Berkeley and Los Angeles*, CA: University of California Press.
- Homer-Dixon, T.F. (1999). *Environment, Scarcity and Violence*. Princeton: Princeton University Press.
- Humphreys, M. (2005). “Natural Resources, Conflict, and Conflict Resolution: Uncovering the Mechanisms”, *Journal of Conflict Resolution*, 49, 508-537.
- Im, K.S., Pesaran, M.H. & Shin, Y. (2003). “Testing for Unit Roots in Heterogeneous Panels”, *Journal of Econometrics*, 115, 53-74.
- Janowitz, M. (1981). *Civil-Military Relations: Regional Perspectives. Thousand Oaks*, CA: SAGE Publications.
- Killelea, S. (2020). *Peace in the Age of Chaos: the Best Solution for a Sustainable Future*. New South Wales: One Tree Films
- Koubi, V., Spilker, G., Böhmelt, T. & Bernauer, T. (2014). “Do Natural Resources Matter for Interstate and Intrastate Armed Conflict?”, *Journal of Peace Research*, 51 (2), 227–243.

- McBride, M., Milante, G. & Skaperdas, S. (2011). "Peace and War with Endogenous State Capacity", *Journal of Conflict Resolution*, 55 (3), 446–468.
- Nochi Faha, D.R. (2021). "Revisiting Natural Resources-Conflict Nexus", *Resources Policy*, Elsevier, vol 70 (C).
- Perlo-Freeman, S. & Brauner, J. (2012). "Natural Resources and Military Expenditure: The Case of Algeria", *The Economics of Peace and Security Journal*, 7 (1), 15-21.
- Rohner, D. (2017). *Natural Resources and Conflict*. At: https://serval.unil.ch/resource/serval:BIB_E88DBFC2BF9C.P001/REF.pdf.
- Sini, S., Abdul-Rahim, A.S. & Chindo, S. (2021). "Does Natural Resource Influence Conflict in Africa? Evidence from Panel Nonlinear Relationship", *Resources Policy*, Elsevier, vol. 74 (C).
- Taydas, Z. & Peksen. D. (2012). "Can States Buy Peace? Social Welfare Spending and Civil Conflicts", *Journal of Peace Research*, 49 (2), 273–287.
- Trung, K.D. (2021), "Resource Curse or Rentier Peace? The Impact of Natural Resource Rents on Military Expenditure", *Resources Policy*, 1-10, At: <https://ideas.repec.org/e/c/ptz4.html>.
- Walter, B.F. (2006). "War as a Reputation Problem: Explaining Government Responses to Self-Determination Movements", *American Journal of Political Science*, 50 (2), 313–330.